

عدالت در روابط بین المللی قراردادی حکومت اسلامی از منظر قرآن*

سید حمید جزائری

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

حمید رضا طوسی

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

چکیده:

تبیین مناسب رابطه میان ارزش ها و قواعد نظام حقوق معاهدات بویژه قاعده وفای به عهد (بنیان اصلی این نظام حقوقی) چالش بزرگ نظام بین الملل حقوق معاهدات است. زیرا با توجه به درج ارزش حقوقی «عدالت» در مقررات بین المللی (عهدهنامه ۱۹۶۹ وین) از یکسو و حاکمیت نظریه پوزیتیویستی (مبتنی بر نظریه جدایی ارزش و قواعد) در اسناد و رویه قضایی بین المللی از سوی دیگر، سنجش اعتبار قاعده وفای به عهد و تعیین حقوق و تکالیف دولت ها در روابط بین الملل را به معضل سترگی تبدیل کرده است. بنیان این چالش به تعیین رابطه منطقی میان ارزش ها و قواعد است که تنها با بهره گیری از آموزه های قرآن کریم می توان به آن دست یافت. بر همین اساس در نوشتار حاضر بر اساس روش تحلیلی - تطبیقی مبنای و حیانی و مناسب در آمیختگی ارزش عدالت و قاعده وفای به عهد در نظام حقوق معاهدات تشریح و تأثیر گذاری این ارزش بر اجرای «قاعده وفای به عهد» تبیین گردیده است.

واژگان کلیدی: نظریه قرآنی، روابط بین المللی قراردادی، نظریه پوزیتیویسم، ارزش عدالت، اخلاق

قاعده وفای به عهد

مقدمه

حقوق پدیده‌ای هنجاری است و حق و تکلیف را معین می‌دارد تا رفتارهای اجتماعی انسان (فردی یا جمعی) تنظیم یابد. رابطه اخلاق و قواعد در مباحث فلسفه حقوق از بنیانی‌ترین پرسش‌هاست (Finnis 2014:69). چنان‌که در رویکرد توجیهی هنجاری بر نظریه مشروعیت اخلاقی حقوق می‌پردازد (ابدالی، ۱۳۸۹: ۴).

از سوی دیگر نظام حقوق معاهدات در انشای مقررات خود از همراهی اخلاق با قواعد غفلت نکرده است. و برای اجرای قواعد بین‌المللی نهادی به نام «اصول کلی حقوقی» در کنار دو منبع معاهدات و عرف بین‌الملل، را در نظر داشته است. دو اصل کلی عدالت و حسن نیت با قاعده «وفای به عهد» در عهدنامه ۱۹۶۹ وین (مستند نظام حقوق معاهدات) است. البته در این عهدنامه به جز دو مورد (مقدمه و بند ۳ ماده ۴۴)، کلمه «عدالت» به کار نرفته است.

با این همه در «عهدنامه وین» تمامی مقررات محدود به اجرا و تفسیر قاعده «وفای به عهد» است (Crawford, Olleson 2000: 59) گو این‌که در نظام کنونی حقوق معاهدات (مقررات اسناد بین‌المللی، رویه سازمان ملل متحد و دکترین) بر اساس «نظریه حقوقی اثباتی»، اجرا و تفسیر می‌گردد (Baderin 2009:168) اما این نظریه حقوقی رابطه ارزش‌ها از جمله «عدالت» با قاعده لزوم را نفی می‌نماید و این ارزش حقوقی را بی‌محتوا قلمداد می‌کند.

از سوی این دیدگاه حقوقی که ادعا دارد که تشریح قواعد «دینی» از جمله اسلام، فارغ از واقعیت‌های اجتماعی بشر و مصالح دنیوی (Evans 2005:2) است، خود با چالش تفسیر مفهوم عدالت مندرج در عهدنامه، رو برو گردیده است. حال در این مقاله درصدد یافتن پاسخ از آموزه‌های قرآن کریم، بنیادی‌ترین منبع روابط خارجی مقررات حکومت اسلامی برای این چالش هستیم.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱- اصول کلی حقوقی: در هر نظام حقوقی اقدام به وضع قواعد بر اساس ارزش‌ها و معیارهای مطلوبی انجام می‌گیرد که مفاهیمی با عنوان «اصول کلی حقوقی» بازگو کننده آنها می‌باشد. (بولانژه ۱۳۷۶: ۷۳) بنابر تحلیل صحیح ماهیت این منبع عبارت از گنجاندن ملاحظات اخلاقی از طریق تبدیل به اصول کلی حقوقی در حقوق بین‌الملل است (قربان‌نیا، ۱۳۷۶: ۳۸۷).

اصول کلی حقوقی در هر نظام حقوقی از دو نقش برخوردار است: توجیه‌کنندگی قواعد حقوقی و معین کردن مرزها (نقش سلبی). (حکمت نیا ۱۳۹۰: ۱۵) به عبارت روشن‌تر اصل کلی حقوقی در منزلت معیار سنجش قواعد قرار می‌گیرند و مشروعیت محتوای هر قاعده حقوقی را مشخص می‌کنند.

۱-۲- قواعد اولی و ثانوی: «قواعد ابتدایی» از نظر پوزیتیویسم جدید، قواعدی می‌باشند که نقش تعیین تکالیف را به صورت مستقیم را به عهده دارند و هدف آنها، تنظیم رفتار افراد در اوضاع و احوال مختلف است (Hart 1994:79-94 موحد، ۱۳۸۱: ۲۵۹). «قواعد ثانوی همان قواعدی هستند که در تعیین پیامدهای ناشی از ناکامی در اجرای کامل تعهدات ایجاد شده بوسیله قواعد اولیه عمل می‌کنند.» (ILC1970:179) این قواعد در تعیین پیامدهای ناشی از ناکامی در اجرای کامل تعهدات ایجاد شده بوسیله قواعد اولیه عمل می‌کنند. (Gourgourinis ۲۰۱۱:۱۰۱)

۱-۳- عدالت مبادله‌ای: «عدالت مبادله‌ای» (Commutative Justice)، قسمی از عدالت موسوم به «عدالت صوری» (formal) است که در تقابل با نوع دیگر مشهور به «عدالت ماهوی» (substantive) قرار دارد. در این گونه عدالت احکام و شرایط مبادله منصفانه در قراردادهای توصیف می‌گردد. به عبارت دیگر قسم نخست (عدالت صوری) به معنای حکومت یکسان قواعد بر هرگونه موقعیت و شخص با فقدان تبعیض و نابرابری، بدون توجه به درستی یا نادرستی مفاد آن است ولی قسم دوم معیارهای عدالت را با توجه به مضمون (نیاز-حق-شایستگی) در نظر می‌گیرد. (قربان نیا، ۱۳۸۱: ۶۷).

حال اگر این فرض راست باشد که مفهوم برابری پیوندی تنگاتنگ با عدالت داشته باشد و در هر تعریفی از عدالت عنصری کلیدی لحاظ گردد. (سید قاری سید فاطمی، ۱۳۸۰: ۲۴۶) این همان تعریف ارسطویی از عدالت است که در شرایط برابر با برابرها رفتار برابر داشته باشیم. (p. 112-17, 1131a-1131b: ACKRILL, URMSON, 1980)

به عبارت دیگر داوری‌ها در مورد عدالت گاهی با در نظر گرفتن به معیارها و اصولی صورت می‌گیرد که حیثیتی شکلی دارند که وجود آنها و رعایتش شرط لازم برای عادلانه بودن است. زیرا «همه انسان‌ها گمان می‌کنند که عدالت باید مدعی برابری باشد ... زیرا می‌گویند امور، برای برابرها باید برابر باشد.» (لگنهاوزن ۱۳۷۴: ۱۲) به هر حال در تعریف عدالت به

برابری، برابر داشتن بدون توجه به مضمون (نیاز- حق- شایستگی) کفایت می‌کند. (سید قاری سید فاطمی پیشین: ۲۴۷، قربان نیا پیشین: ۶۷)

۲- رابطه ارزش‌ها و قاعده حقوقی وفای به عهد

تلاش انسان‌ها در جهت رسیدن به ارزش‌های حقوقی که با اخلاق مرتبطند (فلسفی ۱۳۸۰-۱۳۸۱: ۸) زمینه را برای پیدایش بایدها و نبایدهای عملی که منشا آنها دین و یا عقل است را فراهم می‌سازد. (شهابی، نیکویی ۱۳۹۱: ۱۰۶)

پوزیتویسم تاثیر گذارترین مکتب فلسفی حقوق بین الملل: Ratner & Slaughter 1999: (293) بر این رای است که نه ارزش‌ها بلکه تنها «واقعیت‌های اجتماعی»، عنصر تعیین‌کننده اعتبار قواعد حقوقی هستند. (Shapiro 2010:26) البته با وجود عدم توافق در چیستی «واقعیت‌های اجتماعی»، دو رویکرد متفاوت در تحلیل مبنای فلسفی قواعد بین‌المللی در کار است: یکی سستی و دیگری معاصر.

در رهیافت نخست مشهور به «اراده‌گرایی» (Voluntarism) رضایت فردی و یا مشترک دولت‌ها، تنها مبنای اعتبار قواعد حقوقیست. (پ Payandeh 2011: 970-971) در نظریه هنجارگرایی کلسن که هنجار برتر (Grundnorm) را ملاک اعتبار قواعد می‌داند، Payandeh op (cit: 971) «ارزش» عدالت را غیر قابل تجربه و مفهومی مبهم می‌انگارد. (Kelsen 1957:7)

اما واقعیت اجتماعی در پوزیتویسم معاصر، قراردادهای اجتماعی هستند که راههای ایجاد اصلاح و ابطال معیارهای حقوقی را فراهم می‌کنند (Hart Ibid:44) این قرارداد اجتماعی قواعد «ثانوی» نام دارد.

این دیدگاه در سطح حقوق بین‌الملل معاهدات، بر تطبیق و بسطی که نظریه پردازان داشته‌اند، (Dupuy 1999:193) بیان می‌دارد که قواعد ثانوی بین‌المللی (به مثابه قراردادی اجتماعی) به جای ملاک ارزش‌های حقوقی عمل می‌کنند. (Bassiouni 1989-1990: 785) روشن است در این تحلیل نیز، ارجاع تمام هنجارهای حقوقی به ماهیت اخلاقی به عنوان یک قید مشروعیت بخش قابل قبول نیست. (Mitrophanous 1997:624-625) به عبارت دیگر مولفه ای مانند عدالت در شکل دادن به ماهیت قواعد بین‌المللی ضروری نیست.

(Capps 2001:1003) زیرا نظام حقوق بین الملل از جمله حقوق معاهدات تنها بر اساس «رضایت» دولت‌ها موجودیت یافته است. (Kingsbury 2009:28) و خصلتی بنیادین روابط میان تابعان این نظام حقوقی خصلتی قراردادی دارد، وجود ارزش‌های مطلق جهانی در حقوق بین الملل تردید می‌یابد (Kennedy,1994:370)

در قسمت‌های بعدی مبانی این نظریه را گسترده‌تر بررسی خواهیم کرد.

در دیدگاه قرآنی نیز اجرای عادلانه قاعده وفای به عهد در روابط اجتماعی انسان‌ها تشریح گردیده است. در این کتاب آسمانی تعلیل نیاز انسان‌ها در زندگی اجتماعی به حقوق بر اساس ضرورت‌های اجتماعی با تاکید بر عنصر اختلاف مورد تاکید قرار می‌گیرد. زیرا از اهداف رسالت انبیا رفع همین اختلاف میان مردم است. چنان که مفاد آیه ۲۱۳/بقره «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ هَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ، وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» بر این امر دلالت دارد.

گفتار
حکومت

سال دوم - شماره
سوم پاییز و زمستان

۱۳۹۷

توضیح این که بنابر نظریه قرآنی «استخدام متقابل» (مشابعت انسان‌ها در منفعت طلبی و بهره بردن از یکدیگر) روابط اجتماعی اعتبار می‌گردد. بنابر این تحلیل، مضمون عدالت اجتماعی، «استخدام متقابل» است که مضمون و عمل به آن قراردادی اجتماعی است. (طباطبایی ۱۴۱۷، ۲: ۱۱۶، یزدانی مقدم ۱۳۸۹: ۷۳) از همین رو قراردادهای خرد (عقود حقوق داخلی) و کلان (معاهدات بین المللی) مصادیقی از آن قرارداد اجتماعی کلی هستند.

طبق این نظریه، اخلاق نیز برای حقوق ضرورت دارند. زیرا از نگاه اسلام «حقوق زمانی ابزار سعادت انسان اخلاق کریمه نگاهبان آن باشد...» (طباطبایی پیشین، ۱۱: ۱۵۵) همچنین درک بسیاری از مصادیق و جزئیات احکام اخلاقی وابسته به آموزه‌های دینی است. (خسروپناه ۱۳۹۱: ۵۱) بر همین اساس یکی از کارکردهای دین، تبیین ارزش‌های اخلاقی و رفتاری می‌باشد (مصباح یزدی ۱۳۸۷: ۳۴). البته به یاد داشته باشیم که در آیات متعددی در حوزه وفای به عهد از نظر مفسران بسیاری از آیات شمول معنایی دارند و بر روابط قراردادی کشورها دلالت می‌کنند. چنان که در آیه ۳۴/اسراء «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» شامل‌ترین آیه در بحث معاملات،

(مقدس اردبیلی ۱۴۰۳، ۱: ۴۹۵) بر روابط قراردادی کشورها حاکم است (طبری ۱۴۱۲، ۱۵: ۶۱). علاوه بر این دلالت آیه ۲۰ / رعد «الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَتَّقُونَ الْمِيثَاقَ» حتی کلمه «عهدالله» نیز شامل پیمان‌های میان مردم نیز می‌گردد. (زحیلی پیشین، ج ۱۳، ص ۱۵۲) این تفسیر در آیه نحل/ ۹۱ «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ...» نیز جاری است. (فاضل مقداد ۱۴۱۹، ۲: ۱۱۶، جصاص ۱۴۰۵، ۳: ۲۸۲) البته این برداشت عام از سوی روایات نیز تایید گردیده است. (قمی ۱۳۶۷، ۱: ۱۶۰).

همچنین در آیه ۴ سوره توبه «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْتَقِضُوا شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهَرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا لِبَتْنِهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» «قاعده وفای به عهد» همراه با تعبیر اخلاقی «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» به کار رفته است. به یاد داشته باشیم که از نظر این کتاب آسمانی (وسنت نبوی) سیاست خارجی حکومت اسلامی (از جمله روابط قراردادی)، بر دو بنیاد اصلی توحیدمحوری و عدل محوری است. (جمشیدی کوزه‌گری ۱۳۹۵: ۱۶۷)

بنابراین روشن است که اجرای قاعده وفای به عهد در روابط بین الملل همانند حقوق داخلی همواره آمیخته به ارزش عدالت تشریح گردد. این ویژگی را می‌توان در آیه هود/ ۸۵ «وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» با کاربرد واژه قسط مشاهده کرد. همچنین در آیات شعراء / ۱۸۳ «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» و آیه ۳۵ سوره اسراء «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كَلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» دو واژه «القسطاس» و «مستقیم» نیز برای بیان مفهوم عدالت به معنای برابری به کار رفته اند. (به ترتیب در مورد واژه نخست: ثعلبی نیشابوری ۱۴۲۲، ۶: ۹۸ بغدادی ۱۴۱۵، ۳: ۱۲۹ و در مورد واژه دوم: فیضی ۱۴۱۷، ۳: ۳۰۸، ابن عجبیه ۱۴۱۹، ۳: ۱۹۸، بیضاوی ۱۴۱۸، ۳: ۲۵۵، شیخ علوان نخجوانی ۱۹۹۹، ۱: ۴۵۲) در بخش‌های بعدی کارکرد حقوقی حکم تشریح اجرای عادلانه قاعده وفای به عهد را تبیین خواهیم کرد.

۳- ارزش عدالت و اعتبار قاعده وفای به عهد

نقش اصول کلی حقوقی در مفهوم عام (ارزش‌های حقوقی ضروری برای اجرای قواعد) مانند موارد مشابه در حقوق داخلی، توجیه قواعد در نظام‌های حقوقی (حکمت نیا پیشین: ۱۵) خصوصاً سنجش قواعد مشروعیت محتوایی آنهاست.

با این همه در تفسیر حاکم حقوقی (پوزیتیویستی)، نظام حقوق معاهدات، تنها کارکرد اصول کلی حقوقی منبع قواعد است و نقش آن سامان دادن به روابط میان کشورها (مانند حل و فصل اختلافات) است. (Goldsmith, Posner 2005: 95-98)

زیرا در این نظریه، «اصول کلی» یا مبتنی بر مبنای حاکمیت اراده ناشی از حقوق داخلی اند. (Ellis 2011:953) و یا در نظریه پوزیتیویستی جدید که نظام حقوقی از جمله حقوق معاهدات را مجموعه روابط قواعد (اولی و ثانوی) می‌انگارد، اجرا و تفسیر قاعده وفای به عهد را مستغنی از این گونه اصول می‌پندارد.

بر همین اساس این دیدگاه حقوقی از اصل عدالت مندرج در عهدنامه وین نیز تفسیر متناسب با مبانی فکری خویش ارائه می‌دهد. مهم‌ترین تجلی مفهوم عدالت بر اساس عنصر «تبادل منافع متوازن» در عهدنامه وین بند یک ماده ۶۰ است. (Guzman 2008:172-173)

بنابر این در ذیل ابتدا مبانی حقوقی این دیدگاه درباره اصل عدالت را واکاوی می‌کنیم و سپس دیدگاه قرآنی را جویا می‌گردیم.

۳-۱- تفسیر پوزیتیویستی: اثبات گرایی حقوقی جدید مدعی است که این تفاوت بنیادین را با مکتب ارادی حقوقی (Voluntarism) دارد که در صدد تبیین چرایی الزام آور بودن حقوق بین الملل و یا چرایی ملزم کردن تابعان توسط قواعد نیست. (Besson, & Tasioulas 2010 :243)

همچنین آنها بر این رای می‌باشند که برخلاف مکتب کلاسیک پیشین که دیدگاه علمی در باب منابع حقوق بین الملل بودند و در نظریه حقوقی تلفیقی از اراده و رضایت دولت‌ها را ارائه می‌دادند، نظریه پردازی نکرده اند. (Kammerhofer, D'Apspremont 2013: 45)

البته از یاد نبریم که دو مکتب ارادی و «اثبات گرایی حقوقی سنتی» به خاطر این شباهت که هر دو اعتبار ماهیت نظام حقوق بین الملل را به اراده حاکمیت دولت‌ها پیوند می‌زدند، از سوی بسیاری از حقوقدانان یکی می‌باشند (Ranter, Slaughter, ۱۹۹۹:۲۹۳)

با این همه با تفاوت در تفسیر «وقایع اجتماعی» از نظر جنلیک و تریبل «اراده دولت‌ها»، بنابر رای کلسن «قاعده بنیادین» و در دیدگاه هارت «قاعده شناسایی» (قاعده ثانوی) است.

در این دعوای علمی به طور حتم نیاز به تلفیق با دیگر رهیافت های حقوقی در کار است. چنان که طرفداران رضایت بر این نکته تأکید دارند که اعتبارسنجی منابع - به عبارت دقیق تر قواعد حقوقی - می تواند نقادی های اخلاقی، سیاسی و اقتصادی باشد. (Kammerhofer, D'Aprsremont op cit:147)

با این همه همان طور که پیش از این اشاره شد در بیش مکتب اثبات گرایی حقوق که بر اساس آن واقعیت های اجتماعی، عنصر تعیین کننده اعتبار حقوقی هستند متضمن دو ادعای جداگانه است که آن ها را «برنهاد اجتماعی» و «برنهاد تفکیک» نامیده اند. «برنهاد اجتماع» مقرر می دارد که حقوق پدیده ای عمیقاً اجتماعی است و اعتبار حقوقی، ترکیبی از همین واقعیت های اجتماعی می باشد. چنان که «طرفداران اولیه مکتب اثبات گرایی حقوقی، این نظر هابز را دنبال می کردند که حقوق اساساً ابزار حاکمیت سیاسی است. آن ها عقیده داشتند که منشأ اصلی اعتبار حقوقی در واقعیت هایی است که حاکمیت سیاسی را بر پامی دارد. به نظر آن ها حقوق اساساً «فرمان حاکم» است. اثبات گرایان بعدها این دیدگاه را تغییر دادند و تأکید کردند که قراردادهای اجتماعی اساس حقوق را تشکیل می دهد، نه واقعیت های مربوط به حاکمیت.» (ابدالی، پیشین: ۸)

در مکتب هارت، معیار اثبات حقوق دسته ای از قراردادهای اجتماعی در نظر گرفته شد. این قواعد تعیین کننده واقعیت ها و رویدادهای معینی هستند که راه های ایجاد، اصلاح و ابطال معیارهای حقوق را فراهم می کند. به عنوان نمونه در حقوق داخلی عمل قانونگذاری یا تصمیم قضایی منابع قانونند و در تمام نظام های حقوقی نوین به نحو قراردادی تعیین شده اند.

در سطح حقوق بین الملل «رفتار اجتماعی» همان هایی است که حقوق بین الملل اجرا و تولید می کنند و با در کنار قرار گرفتن در کنار تئوری «برنهاد منابع» (The Source Thesis)، مسأله «اعتبارسنجی قواعد» از رفتارهای دولت ها ناشی می گردد و نه از ارزش های فرای رویه ی دولت ها و قواعد درون نظام حقوقی. بر همین اساس در این خوانش جدید اثبات گرایی نیز، نه تنها برای «اصل عدالت» منزلت چندانی به مثابه ارزشی فرای رویه ی دولت و قواعد نمی توان یافت. بلکه در تحلیل آخر معیار اعتبار قواعد در قالب قاعده شناسایی نیز مبتنی بر رضایت دولت هاست.

حال با توجه به این که در حقوق بین الملل مفهوم ارزشی «عدالت» با توجه به عنصر «برابری» تجلی یافته است و عنصر اخیر عناوین متنوع بر خود گرفته است («اصل عدم مداخله»

(Abi-Saab 1998: 248) اصل منع استفاده از زور در روابط (ماده ۵۲ عهدنامه وین) و بالاخره اصل «تبادل منافع متوازن» (Reciprocity) این پرسش مطرح می‌گردد که بنابر تفسیر حقوقی چه توجیه حقوقی حاکم در کار است و با چه چالش‌هایی روبروست؟

اصل اخیر بیان می‌دارد که هر کشور در قبال هر امتیاز که از کشوری اخذ می‌کند، امتیازی مشابه به آن کشور اعطا می‌نماید. (فلسفی ۱۳۷۰: ۹۳) تقریر دیگر از این قاعده را می‌توان «تکلیف به ایفای تعهدات» نامید. بر اساس این مفهوم هر گاه یکی از طرفین به تعهد خود وفا کند و دیگری چنین نکند، عملاً برابری مخدوش گردیده و دولتی که به تعهد خود عمل نکرده است برتری یافته است. (فضائلی ۱۳۷۹: ۷۱)

برابری در عدم مقبولیت تعهدات ناشی از زور، صلاحیت برابر در انعقاد معاهدات و برابری بر اساس «تبادل منافع تقابل» همگی بر وجود عدالت (تبادلی) در حقوق معاهدات تاکید می‌ورزند.

همان‌طور که اشاره کردیم مهم‌ترین تجلی مفهوم «تبادل منافع متوازن» در عهدنامه وین بند یک ماده ۶۰ است. «نقض اساسی یک معاهده دو جانبه از سوی یکی از طرفین، طرف دیگر معاهده را مجاز می‌دارد تا به نقض مزبور به عنوان مبنای فسخ، یا تعلیق کامل یا بخشی از آن استناد نماید.» عدالت تبادلی در این ماده به عدالت صوری تفسیر گردیده است. (Cullet 1999:554-555). چنان‌که معاهده «منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» با تقسیم دولت‌ها به دو گروه دارای سلاح‌های هسته‌ای و فاقد آنها، برای آنها تعهداتی نابرابر مقرر کرده است.

اگر عدالت مبادله‌ای با توجه به عنصر برابری در حقوق معاهدات به دو گونه تجلی بیابد: یکی برابری در انعقاد معاهدات و دیگری برابری در اجرای معاهدات. برابری اخیر در این دسته از معاهدات مفقود است. (بیگ زاده ۱۳۷۴ - ۱۳۷۵: ۲۷۴) زیرا به ظرفیت‌ها و امکانات واقعی کشورها توجه نمی‌گردد.

قرینه اثبات‌کننده این ادعا آن است که در این ماده قرینه‌ای بر تناسب در اجرای نقض متقابل در کار نیست و موجب می‌گردد که پیامد نابرابری (نقض متقابل فزون‌تر از نقض ابتدایی) پابرجا بماند. (Cullet 1999:555) روشن است برای تحقق عدالت واقعی اعطای منافع و تحمیل تعهدات می‌بایست بر اساس رفتار متفاوت با توجه به توانایی‌های دولت‌ها در نظر گرفته شود. ICJ Reports 1996:306)

علاوه بر این، مفاد ماده ۶۰ متقابل به طور کلی در حوزه حقوق مسئولیت بین‌المللی (و نه در حوزه حقوق معاهدات) می‌گنجد. (U.N. Doc.1986: 7-8) اما در تحلیل حقوقی پوزیتیویستی، قاعده اولی یا ثانوی بودن مفاد این ماده روشن نیست.

زیرا در این دیدگاه، قواعد حقوق معاهدات که حقوق و تعهدات دولت‌ها را روشن می‌سازند از حیث منطقی قواعد اولی هستند. قواعد حقوقی مانند قاعده مندرج در ماده مذکور قواعد ثانوی را تشکیل می‌دهند و در حوزه حقوق مسئولیت قرار می‌گیرند. قواعد اخیر زمانی اعمال و اجرا می‌شوند که قواعد اولی نقض شده باشند. (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۵: 269)

اما این تحلیل با مفاد ماده ۶۰ که حاوی پاره‌ای از قواعد مقابله‌کننده با نقض تعهدات است (سیفی ۱۳۷۳: ۲۵۵-۲۵۶) سازگار نیست. در این مقررات به دولت متضرر از نقض، حق فسخ معاهده و یا تعلیق اجرای تعهدات اعطا شده است. (قاعده‌ای ثانوی)

به نظر می‌رسد چالش پیش روی نظریه حقوقی حاکم تعیین معیارهای اعتبار قاعده وفای به عهد در روابط قراردادی دولت‌هاست که راه حل آن را بایستی از آموزه‌های قرآنی (مبنای مقررات عدالت محور روابط خارجی حکومت اسلامی) یافت.

۳-۲- دیدگاه قرآنی: در آیات قرآن کریم مفهوم عدالت که از گستره وسیع معنایی برخوردار است. (Bernstein ۲۰۰۹: ۶۷) و با برخورداری از ماهیتی انتزاعی و انضمامی موجب می‌گردد برای کشف مراد جدی دقت‌های ژرف در تحلیل موصوف آن (خداوند سبحان- انسان و...) توجه گردد. (محمدی: ۱۳۸۹). چنان که آیات «وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرَوْا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (یونس ۵۴) و یا «...وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا» (انبیا/۴۷)، باری تعالی موصوف مفهوم عدالت است.

برای فهم بهتر دیدگاه قرآن درباره مفهوم عدالت در حوزه روابط قراردادی بین‌المللی ضروری است ابتدا با بررسی معنی‌شناسی مفهوم عدالت در این کتاب آسمانی پرداخته شود.

۳-۲-۱- معنی‌شناسی عدالت: مفهوم عدالت در کاربردهای قرآنی معانی متفاوتی دارد. یکی از مهم‌ترین کلمات قرآنی این مفهوم واژه عدل است که ۲۸ بار به کار رفته است. البته در تمام این موارد به یک معنا استعمال نگردیده است.

چنان که در آیات ۴۸ و ۱۲۳ سوره بقره، ۷۰ سوره انعام و ۹۵ سوره مائده که موضوع آنها بحث صحنه قیامت است، «عدل» به معنای عوض، فدیة و معادل می‌باشد.

«عدل» به معنای برابری یکی از مهم‌ترین تحلیل‌های لغوی است که برای مقایسه میان اشیاء به کار می‌رود. (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۳۲۵؛ طریحی ۱۴۰۸، ۵: ۴۲۱؛ ابن فارس ۱۳۸۷، ۴: ۲۴۶-۲۴۷). این مفهوم در حوزه قراردادی با کاربرد واژه‌های «عدل»، «سواء» «القسطاس» و «مستقیم» در این کتاب آسمانی بیان گردیده است. به عنوان نمونه کلمه القسطاس در آیه ۳۵ سوره اسراء آمده است: «وَأَوْقُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»

از نظر مفسران کلمه «القسطاس» مشتقی از واژه قسط به معنای عدل است. (ثعلبی پیشین، ۶: ۹۸، بغدادی، ۳: ۲۹) واژه مستقیم نیز به معنای عدل در مفهوم برابری است (بیضاوی پیشین، ۳: ۲۵۵، آل‌غازی، پیشین، ۲: ۴۹۱، حقی برسوی پیشین، ۵: ۱۵۶، مظهری پیشین، ۵: ۴۳۹)

مفهوم «میانہ روی در امور» بوسیله واژه‌های دیگری مثل «سواء» از ماده «سوی» در کاربرد قرآنی در حوزه روابط قراردادی بین المللی («وَأِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ» (انفال/۵۸)) نیز به کار رفته است. (نوی جاوی ۱۴۱۷، ۱: ۴۳۰، میدی ۱۳۷۱، ۴: ۶۹، ابن کثیر ۱۴۱۹: ۴: ۷۰، مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳: ۲: ۱۲۳، ابوالفتح رازی ۱۴۰۸، ۹: ۱۴۰)

این تحلیل با نظریه فلسفی - تفسیری رایج که معنای اصلی عدالت را «قراردادن هر چیز در جایگاه مناسبش و یا اقامه مساوات میان امور است به اینکه به هر امری آنچه سزاوار است بدهی تا همه امور مساوی شود» می‌داند، تناسب دارد. (طباطبایی پیشین، ۱۲: ۳۳۱) با این تعریف از عدل، ظلم یعنی قراردادن هر امری در غیر جایگاه خود است. «الظلم وضع الشيء في غير موضعه». (صالحی مازندرانی ۱۴۲۱، ۲: ۱۱۹)

۳-۲-۲- مبنای آمیختگی ارزش عدالت وقاعده وفای به عهد: از نظر قرآن حکمت عجین بودن قواعد با توصیه‌های اخلاقی، حکمتی الهی برای تامین مصالح عمومی بشر و اصلاح مفاسد و برآورده شدن سعادت زندگی انسان‌ها تفسیر گردیده است. (طباطبایی ۱۴۱۷، ۲: ۲۳۵)

بر همین اساس در تحلیل تفسیری-فقهی از آیات مربوط به قاعده وفای به عهد، مبنای اعتبار قاعده را اراده تشریحی موصوف به وصف حکیمانه استنباط گردیده است. (شهید اول بی

تا، ۱: ۳۸-۳۹، غروی تبریزی، بی تا، ۱: ۴۵) زیرا حکمت تشریح این قاعده بر آوردن مصالح و دفع زیان‌ها است. (آل سعدی، ۱۴۰۸: ۲۳۵، بغدادی ۱۴۱۵، ۲: ۴)

از سوی دیگر عدالت ارزش حقوقی آمیخته به این قاعده وفای به عهد در آیات الهی از جمله مفاهیمی است که دارای حسن ذاتی و عقلی بدون جعل و قرارداد (ولو شارع) است. (حلی ۱۴۱۳: ۳۱۳) بنابراین عقل قادر به ادراک حسن و قبح آن است. چنان که مفسران با تحلیل کلمه «خیر» ذیل آیه ۳۵ سوره اسراء («وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا») ذاتی و عقلی بودن رعایت عدالت در اجرای قاعده وفای به عهد را استنباط کرده‌اند. (آلوسی ۱۴۱۵، ۸: ۷۰، طباطبایی پیشین، ۱۳: ۹۱)

همچنین با تحلیل آیات الهی امر کننده بر اقامه عدالت (مانند «... فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ... وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه/۳۶) «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل/۹۰) در تحلیل های اصولی با عمومیتی که خطاب های عدالت محور برخوردارند، «سیره عقلایی» مرجع تشخیص مصادیق عدل و ظلم است ولو این عرف جدید باشد و پس از زمان نزول و خطاب شکل گرفته باشد. (خمینی (امام) ۱۴۰۵: ۲: ۲۷۸-۲۸۷) زیرا در این نظریه مصادیق بغی ظلم و عدل عمدتاً اعتباری قلمداد گردیده‌اند و همین امر مبنای مراجعه به عرف می‌باشد.

دیگر ویژگی تشریح رعایت عدالت در آیات الهی از نظر مفسران و فقها از منزلتی با عنوان «مقصد شریعت» برخوردار است. چنان‌که امر به برپایی عدالت مندرج در آیه ۲۵ سوره حدید «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» از غایات بعثت انبیا شمرده شده است (طوسی ۱۴۰۹، ۹: ۵۳۴).

حال با توجه به تحلیل های یاد شده مبنی بر بر آوردن مصالح و دفع زیان‌ها به مثابه هدف از تشریح قاعده وفای به عهد، ویژگی حسن ذاتی و عقلی داشتن مفهوم عدالت، «مقصد شریعت» بودن آن و بالاخره آمیختگی این دو در آیات الهی، این پرسش به میان می‌آید که از نظر قرآن کریم عدالت بر اساس چگونه معیار اعتبار سنجی این قاعده بنیادین نظام حقوق معاهدات است؟

پاسخ آن است که اولاً در آیات مربوط به روابط قراردادی مانند (هود/ ۸۵) «وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ»، (شعراء/ ۱۸۳) «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» با کاربرد واژه هایی مانند «قسطاس»، «مستقیم» و «قسط»، امر به رعایت عدالت به معنای «معیار سنجش» در همه قوانین (احکام الهی و قوانین بشری مورد تایید آنان) تشریح شده است (بغدادی ۱۴۱۵، ۲: ۴۹۸). زیرا در این آیات مناسبت بسیار شدید به عنوان شرط اساسی مورد نظر صاحب نظران (خویی ۱۴۲۲، ۵: ۱۳۰-۱۳۱) میان موضوع (عهد با مشرکان) و حکم (توازن حقوق و تعهدات) در کار است.

حال ممکن است این سوال پیش بیاید که ما چه گونه بفهمیم که این مناسبت هم در کار است و هم شدید است؟ پاسخ آن است اولاً موضوع عهد عرفی است و از معاملات امضایی محسوب می‌گردد. ثانیاً مناسبت میان عهد و وفای به آن یک نوع قرینه‌ی لئی متصل به دلیل لفظی به شمار می‌رود. (صدر ۱۳۹۱، ۱: ۱۵۳) بنابراین ظهوری برای دلیل لفظی تشکیل می‌دهد که مبتنی بر اصل عقلایی حجیت ظواهر خواهد بود.

ثانیاً می‌توان از آیات الهی در حوزه روابط قراردادی آمیخته بر رعایت عدالت بر اساس نظریه استنباط احکام از ادله‌ی مبتنی بر اهداف و مقاصد شریعت (علیدوست، ۱۳۸۵: ۱۳۰) می‌توان چگونگی معیار بودن عدالت در اجرای این قاعده را استنباط کرد. بدین معنا که نصّ قطعی با توجه به مقصد شریعت تفسیر می‌گردد (علیدوست، ۱۳۸۸: ۳۹۲).

از آثار عدالت محوری این قاعده از نظر آموزه های این کتاب آسمانی رعایت اصل «تناسب» را در روابط قراردادی بویژه به هنگام نقض است. در آیه «لَا يَرْجُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ» (توبه/ ۱۰) خداوند سبحان ویژگی پیمان شکنی مشرکان در عهدهای خویش را با واژه (الْمُعْتَدُونَ) بیان می‌دارد. از سوی دیگر در این کتاب آسمانی در آیه (بقره/ ۱۹۴) «...فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ...» با کاربرد واژه «مثل» با کاربرد مشتقاتی از لفظ اعتداء (کلمه «فاعتدوا») مقابله به مثل در پیمان شکنی بر اساس رعایت عدالت را تشریح می‌فرماید. به عبارت روشن تر مدلول این آیه بر رعایت اصل تناسب در روابط قراردادی از جمله نقض متقابل دلالت دارد (زحیلی ۱۴۱۸، ۲: ۱۸۱)

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در حال حاضر تحقق عدالت در روابط بین‌المللی با شکست مکتب پوزیتیویسم بهترین روش رساندن جوامع بشری به کمال و برقراری نظم و قانون در جامعه جهانی است. آموزه‌های قرآنی همواره در این حوزه عالی‌ترین آموزه‌ها را داراست و برخلاف دیدگاه پوزیتیویسم رایج به پرسش بنیادین چگونگی رابطه میان اخلاق و حقوق پاسخی مثبت همراه با راهکار مناسب ارائه داده است.

در این نوشتار اثبات گردید این نظریه قرآنی مقرر می‌دارد که «ارزش حقوقی» در اجرا و تفسیر قواعد ناشی از حقوق معاهدات نقش آفرین هستند و با محتوای حقوقی عهدنامه ۱۹۶۹ وین که اعتبار قاعده «وفای به عهد» را با معیار اصل کلی حقوقی «عدالت» می‌سنجد، سازگار است.

مبناسازی آموزه‌های اخلاقی در تبیین کارکرد این ارزش حقوقی زمینه را برای توسعه عدالت خواهی بین‌المللی فراهم می‌آورد. زیرا الزام رعایت «تناسب» در نقض متقابل و معتبر شناختن گستره تعهدات بین‌المللی با معیار عدالت در معنای اثباتی مضمونی حقوقی به این ارزش اعطا می‌کند و بر اخلاقی کردن مقررات بین‌المللی تأکید می‌ورزد.

عدالت در روابط
بین‌المللی قراردادی
حکومت اسلامی
از منظر قرآن

منابع:

الف منابع فارسی و عربی

- آل سعدی عبدالرحمن بن ناصر تیسیر الکریم الرحمن، بیروت مکتبه النهضه العربیه ۱۴۰۸.
- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابدالی مهرزاد، تحلیل مفاهیم حقوقی و هنجار حقوقی، مدرس علوم انسانی، ش ۶۷، تابستان ۱۳۸۹.
- ابن عجبیه، احمد، البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید، حسن عباس زکی، مصر قاهره، ۱۴۱۹.
- ابن فارس، احمد، ترتیب معجم مقاییس اللغه، قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ش.
- ابن کثیر اسماعیل بن عمرو تفسیر القرآن العظیم بیروت دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون ۱۴۱۹.
- اردبیلی (مقدس)، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذنان، تحقیق مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاردی و حسین یزدی اصفهانی، دفتر نشر اسلامی، ۱۴۰۳ق (۱۳۷۷ش).
- بغدادی، علاءالدین، لباب التأویل فی معانی التنزیل، (تفسیر خازن)، بیروت دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- بولانژه، روزه «اصول کلی حقوق و حقوق موضوعه» ترجمه علی رضا محمدزاده وادقانی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۳۶، بهار ۱۳۷۶.
- بیضوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- بیگ زاده، ابراهیم، بدیع بودن «معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای» در قلمرو حقوق بین الملل، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۶-۱۷، پاییز ۱۳۷۴ تا بهار ۱۳۷۵.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت داراحیاء التراث العربی ۱۴۲۲ق.
- جصاص، احمد بن علی، أحكام القرآن، بیروت: داراحیا التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- حکمت نیا، محمود، لاضرر به مثابه نظریه در ساختار نظام فقهی و حقوقی، مطالعات راهبردی زنان، ش ۵۱ بهار ۱۳۹۰ ش.
- خسروپناه، رابطه دین و اخلاق در قرآن، مجله اخلاق و حیانی، ش ۱، پاییز ۱۳۹۱ ش.
- خوبی، سید ابوالقاسم، محاضرات فی الاصول الفقهیه قم: موسسه احیا الآثار امام الخویی ۱۴۲۲ق.
- رازی (ابوالفتح) حسین بن علی روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی ۱۴۰۸.
- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الشامیه، ۱۴۱۲ق.
- زحیلی، وهبه بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعۀ و المنهج، بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸ق.
- سید قاری سیدفاطمی، سید محمد، تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر حق، تعهد، آزادی، برابری و عدالت، تحقیقات حقوقی ش ۳۳-۳۴، ۱۳۸۰.
- شهبایی، مهدی، نیکویی، مرضیه، حقوق متفاوتی: تاملی بر نقش ارزش در فرایند ایجاد قاعده حقوقی، مجله مطالعات حقوقی، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱.

شیخ علوان نخجوانی، نعمه الله بن محمود، الفواتح الإلهیة و المفاتيح الغیبیة: الموضحه للكلم القرآنیة و الحكم الفرقانیة، مصر دار
رکابی للنشر، ۱۹۹۹م.

صدر سید محمد باقر بحوث فی شرح عروة الوثقی مطبعة الآداب نجف، ج اول ح ۱ ۱۳۹۱ ق.

ضیایی بیگللی، محمد رضا، حقوق معاهدات بین المللی، گنج دانش، ۱۳۸۵ش.

طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ۱۴۱۷.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.

طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین و مطلع النیرین، تحقیق سید احمد حسینی، قم: الثقافه الاسلامیه، ۱۴۰۸ق.

طوسی (شیخ) ، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق و تصحیح: أحمد حبيب قصیر العاملی، مکتب الإعلام
الإسلامی، ۱۴۰۹ق.

علیدوست، ابوالقاسم، فقه و عقل سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵ش.

علیدوست، ابوالقاسم، فقه و مصلحت، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج اول، ۱۳۸۸ش.

غروی تبریزی، علی، التفتیح فی شرح العروة الوثقی، (تقریرات درس آیت الله سید ابوالقاسم خویی)، قم: موسسه آل
البيت(ع)، ج دوم، بی تا.

فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۱۹ق.

فضائلی، مصطفی اصل برابری در نظام ملل متحد، پژوهش های فلسفی - کلامی ش ۳ بهار ۱۳۷۹ ص ۷۱.

فلسفی، هدایت الله، روش های شناخت حقوق بین الملل، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۹، بهار و تابستان ۱۳۷۰ش.

فیضی، ابوالفیض بن مبارک، سواطع الإلهام فی کلام الملك العلام، قم دارالمنار، ۱۴۱۷ق.

قربان نیا، ناصر، عدالت حقوقی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر)، ۱۳۸۱ش.

قربان نیا، ناصر، حقوق: ترجمان اخلاق، نقد و نظر، ش ۱۳ و ۱۴، زمستان و بهار ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ش.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ش.

لگنهاوزن، محمد، مجله معرفت، اسلام و نظریات غربی در باب حقوق بشر، ش ۱۲، ۱۳۷۴ش.

مازندرانی، مولی محمد صالح، شرح اصول کافی، بیروت، دار احیا التراث، ۱۴۲۱ ق.

محمدی، مژگان لزوم توجه به موصوف عدالت در تعریف عدالت، ش ۷-۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.

مصباح یزدی، محمد تقی دین و اخلاق، معرفت، ش ۱۳ پاییز ۱۳۸۷.

مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت دار احیا التراث، ۱۴۲۳ ق.

موحد، محمد علی، در هوای حق و عدالت، از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۱ش

موسوی خمینی (امام)، سیدروح الله، تهذیب الاصول القواعد الفقهیة و الاجتهاد و التقليد (الرسائل للإمام الخمينی)/ مقرر جعفر
السبحانی. دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.

میبدی، احمد بن محمد، کشف الأسرار و عده الأبرار، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.

نوی جاوی، محمد بن عمر، مراح البید لکشف معنی القرآن المجید، بیروت دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷.

یزدانی مقدم، احمدرضا، حسن و قبح و مساله عدالت اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی، مجله علوم سیاسی، ش ۵۰، ۱۳۸۹ ش.

ب- منابع انگلیسی

- Abi-Saab, G, (۱۹۹۸) Whither the International Community? , ۹ EJIL.
- ACKRILL J.L. and J.O. URMSON, eds., Aristotle: Introduction to the Nichomachean Ethics (New York: Oxford University Press, 1980)
- Bassiouni, M, Cherif, (1989- 1990) A Functional Approach to General Principles of International Law, 11 Mich. J. Int'l L.
- Bernstein, Benedict Schwedel Reading the Quranic Conception(s) of Justice , 2009.
- Besson, Sammatha & Tasioulas John, The Philosophy of International Law, Oxford University Press, ۲۰۱۰ .
- Bin Cheng , General Principles of Law: As Applied by International Courts and Tribunals, London: Stevens, 1953.
- Capps, Patrick, (۲۰۰۱), The Kantian Project in Modern International Legal Theory, 12 EJIL.
- Crawford, James; Olleson, Simon (2000) "The Exception of Non-performance: Links Between the Law of Treaties and the Law of State Responsibility" 21 Australian Yearbook of International Law.
- Cullet, Philippe, , (1999) "Differential Treatment in International Law: Towards a New Paradigm of Interstate Relations" 10 EJIL.
- Dupuy, Pierre-Marie. (۱۹۹۹) 'The Danger of Fragmentation or Unification of the International Legal System and the International Court of Justice', 31 NYU J Int'l L and Politics.
- Ellis, Jaye, (2011) General Principles and Comparative Law , 22 EJIL.
- Evans, Carolyn. "The double-edged sword: Religious Influences on International Humanitarian law", 6 Michigan Journal International Law, 2005.
- Finnis, J (2014) What is the Philosophy of Law? 59 Am. J. Juris.
- Goldsmith Jack L. and Posner Eric , The Limits of International Law, Oxford University Press, 2005.
- Gourgourinis, Anastasios (2011) General/Particular International Law and Primary/Secondary Rules, 12 The EJIL.
- Guzman , Andrew, How International Law Works: A Rational Choice Theory , 2008.
- Hart, H. L. A. The Concept of 'Law' Oxford: Oxford University Press, (2d ed) 1994
- ICJ Reports, south West Africa. Diss. Op Tanaka, Second Phase, Judgment, 1996.

- ILC, 'Second report on State responsibility, by Roberto Ago, Special Rapporteur – the origin international responsibility' [1970] II YbILC.
- Jennings, Sir Robert Y.: Treaties, in Bedjaoui, Mohammed (ed.): International Law: Achievements and Prospects, Martinus Nijhoff Publishers, 1991.
- Kammerhofer, Jörg D'Aspremont Jean (ed) International Legal Positivism in a Post-Modern World Cambridge University Press, 2013.
- Kelsen What is Justice?: Justice, Law, and Politics in the Mirror of Science University of California Press, 1957
- Kennedy David 'A New World Order: Yesterday, Today, and Tomorrow', Transnational Legal and Contemporary Problems, 1994
- Kingsbury, Benedict, (2009), The Concept of 'Law' in Global Administrative Law, 20 EJIL.
- Mitrophanous, Eleni, "Soft Positivism" in Oxford Journal of Legal Studies, Vol, 17, 1997.
- Payandeh, Mehrdad, (2010), "The Concept of International Law in the Jurisprudence of HLA Hart", 21 EJIL.
- Ratner and Slaughter, (1999) 'Appraising the Methods of International Law: A Prospectus for Readers', 93 AJIL.
- Shapiro, Scott Legality Cambridge, MA: Harvard University Press, 2010.